

بقلم : آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

سیر حکمت و عرفان در ایران باستان

-۶-

از شاهکارهای علمی عصر ساسانی ترجمه کتاب کلیله و دمنه است ، چگونگی داستان چنین است :

پیش از ترجمه و نقل بعربی داستانهای شیرین این کتاب در خاطره مردم و بزبانهای شرقی شهرتی بسزا داشت .

سینه بسینه از پدر به پسر رسید ، آنچه ثابت است کتاب کلیله و دمنه از ادبیات سانسکریت تراوش کرد ، ولی چون تاریخ آن عصر تاریک است منابع موثقی از آن نمیتوان بدست آورد ، معلوم میشود تمدن و فرهنگ و آزادی و آموزش و پرورش اجتماعی و روحانی در ملت هند با اندازه رشد رسیده بود ، نتیجه تعلیم و تربیت هندی درملتهای دیگر درست بدست گشته بود .

این کتاب گلستانی است دارای انواع ریاحین و گلها ، باغی است که همیشه خرمی و سرسبزی خود را نگاهداشته . با بیانی سهل و ممتنع درحد بلاغت و فصاحت ادبی بعربی منتقل گردید .

حدهمین است سخن دانی و زیبائی را ، گرچه مدتی است مدید که از تألیف آن گذشت ، ولی تو گوئی نثر دقیق عربی است که درهائی از دانش و هنر را بسوی مردم گشود ، شاید همین داستانهای دل انگیز بود که سرمایه تصنیف کتاب الف لیل و لیلۃ « هزار و یک شب » گردید .

کلیله و دمنه گذشته از نثر ادبی بیان داستانهای اجتماعی ، یک سلسله آداب و رسوم را در عرب و قبیللههای بدوی زنده کرد مانند داستان عنتره عشق بازیهای

ابی زید هلالی ، داستان ملك آرثر در ادبیات انگلیس سرود های سلحشوران در ادبیات جنگ های صلیبی ، کلیله و دمنه سبب حرکت فکری و موجد خیال های داستانی شد اینها مسئله‌هایی است که در باره خواندن کلیله و دمنه بذهن می آید ، آدمی باین اندیشه می‌افند که این کتاب چگونه به ما رسید ؟ بچند لغت ترجمه گردید ؟ چه تحول و تطوری در عمر خود دید ؟ !

آیا این کتاب در عقل و ادب ملتی که بدان آشنا شده اند چه اثری گذاشت ؟ !
در سیاست و اجتماع ما چه اثری بخشید ؟ !

در حقیقت بحث و تحقیق در این رشته بدرازا میکشد ، چه موضوع مفصل و مطلب بسیار ، نکته‌های دقیق و حساس آن بشمار است ، هر گاه توفیق بدست آید شاید بتوان برخی از این مسائل را حل کرد ، راهی برای تحقیق بیشتری برای خوانندگان عزیز باز گردد تا خوانندگان از تحولات جهان و داستان های آن عبرت گیرند .

سرگذشت روزگار مورد علاقه مردم جهان است . از سیر تاریخ و مجرای گذشت زمان درس میگیرند میتوان گفت شاگردان مدرسه کلیله و دمنه مردم بزرگ بودند مانند را بیندارانات تا گور - گاندی - نهرو و غیره که از بافکران عصر نوین تاریخ هند بشمار میروند این مدرسه در زبان های ملل جهان شاگردان و پیروانی داشته اند که سبب روابط فرهنگی دولت و دوزبان گشته است .

اصل سانسکریتی ، از زمانی که تمدن ظهور کرد ، حقیقتی برای انسان تجلی نمود ، دیگر جای سخنی نیست لازمه زندگانی این است که آدمی خود را بشناسد ، بنا بروشی بمظاهر محیط خود آشنا گردد تا رشته‌ای ما بین افراد از هم نباشد ، پیرو مقتضیات اقتصادی و اجتماعی گردد ، گاهگاهی از پرورش و آموزش داستان هایی از هدف های حقیقی و بزرگ برنگ فلسفی و حکیمانه

آشکار میگشت .

گویند بعضی از داستانهای « بانچاتنترا » از پنج هزار سال پیش در نزد هندوان مشهور بود .

دانشمند هند شناس بنام دکتر هوتال نخستین دانشمندی بود که آن را از زبان سانسکریت بآلمانی ترجمه نمود ، در هزار و نهصد و نه میلادی در لایپزیک به بهترین روش چاپ کرد .

در اصل کتاب حکایت‌هایی دیده میشود که در حدود سیصد سال پیش از میلاد مسیح ، با اسم « تنترا » که بمعنی کتاب است در کشمیر فراهم شده بود .

پیش از آنکه داستانهای بسیار در کتاب فراهم گردد در ما بین هندوان منتشر بود . ولی نسخه ای که هوتال بدان تکیه نمود بسال هزار و صد و نود و نه میلادی میرسد .

یعنی بعد از ترجمه کتاب کلبله و دمنه عربی بود ، « در چهار قرن و نیم » و ترجمه سریانی کتاب بعد از ترجمه عربی بود « یعنی در حدود پنج قرن » و ترجمه فارسی آن در هفت قرن بعد انجام شد در دائرةالمعارف اسلامی آورده اند که نسخ دوم کتاب مزبور بنام « بانچاتنترا » است هر خواننده کتاب بانچاتنترا معتقد میشود که این کتاب را يك یا دو یا چند نفر انگشت شمار بیشتر تألیف نموده اند (۱)

بلکه يك تمدن بزرگ جاودانی آن را تألیف نمود ، در او خلاصه میراث فکری و شیوه وجدان و مشاعر بزرگ خود را بامانت سپرد ، نام سابق آن دلیل اسم کتاب نیست چه لاتینی شاسترا فراهم شده از قطع شاسترا که معنی آن کتاب دیگری است .

۱ - در مقدمه « بانچاتنترا » است که مؤلف آن « نیشوشرما » است که برابر بید با در کلبله و دمنه است .

ولی سبب تحول « بانچا تنترا » چه بسا بواسطه آسانی استدلال بدان است چه مقطع « پنج » و « پنجا » در زبان های کردی و فارسی بجز « بانجا » سانسکریت که بمعنی پنج است نیست .

پس « بانچا تنترا » بمعنی پنج است .

وصف کتاب - کتاب مزبور منظومه ای است با اندکی از نثر از پنج کتاب یا بابها تألیف گردید ، یکی از آنها داستان بزرگی است در خلال آن حکایتهای کوچک را در بردارد ، پایانش داستان بزرگی است شامل داستانهای کوچک پنج قصه ای یا شش داستانی را در بردارد .

اولین باب آن « خسارت » دوستان است ، گفتگویی است از ماجرای شیرو گاوی ، سی حکایت کوچک را در بردارد ، بیشتر از زبان روباه فاتح است . در نزد ابن مقفع بکلیله و دمنه تعبیر شد .

دومین باب آن « دوست یابی » است ماجرای کلاغ « تندرو » و موش و لاک پشت و غورباغه ، ده حکایت کوچک گذشته از آن داستان بزرگ را در بردارد . باب سوم داستان بوم است ده حکایت کوچک را در بردارد ، درین کتاب دقت در ترکیب حسن رنگ آمیزی بخوبی شده است عقیده پیدا می کنیم که در پرداختن داستان های کتاب مدت زمانی کشید تا باین صورت زیبا و شاهکار ادبی و علمی در آمد ، پس از آن جزء چهارم و پنجم آن را می خوانیم اسلوب و روش آن ها با دو باب نخست کتاب تفاوت دارد ! تا آنجا که خواننده هوشمند خیال میکند این دو باب را در زمانهای بعد بکتاب زیاد نموده اند !

اولی در زیان منفعت است در باره ماجرای میمون و نهنگ با سیزده حکایت کوچک گفتگو میکند .

آخرین بابها « کار در شب تقدیر » است دوازده داستان را در بردارد ،

بنابر این همه داستانهای « بانچانتترا » هشتاد و هشت حکایت است ، برابر با پنججاه و چهار حکایت در کلیله و دمنه میباشد .

در ترجمه این مقفوع می خوانیم از « بانچانتترا » این بابها را در بردارد :

۱ - باب شیرو گاو . ۲ - باب کبوتر . ۳ - باب بوم . ۴ - باب میمون . ۵ - باب زاهد . این بابها بترتیب و نظام نقل نشد بلکه تهذیب و اصلاح در پس و پیش آنها ترجمه گردید .

سبک روایت داستانها بروش نقل از حکایت های اصلی بداستانهای فرعی است ، اسلوب معمولی در ادبیات شرقی است ، مانند کتاب هزار و یکشب از مفهوم اروپائی دور است ، چون ما شهری هستیم حق در این است که گفته شود در کتاب کلیله و دمنه داستانها بصورت هندی است . « بانچانتترا » بصورت خصوصی است پس خیال هزار و یک شب و مانند آن بعد از خیال « بانچانتترا » است .

نگاه کنید بکتاب « بانچانتترا » سجاده و قالیچه و بسیاری از چیزهایی که خیال آن را درک می کنید در هزار و یک شب خواهید خواند که از آنها اقتباس گردید و شهرت جهانی پیدا کرد . گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گرچه در ابتدا در « بانچانتترا » بصورت خشک ابتدائی بود بعدها در هزار و یک شب دقت و تهذیب و رنگ آمیزی شد تا آنچه دل طلب میکند به بیند ! قصه های « بانچانتترا » بزبان جانوران است و کمتر آدمی قهرمان داستان است . تا آنکه صنعت و هنر دوره عصر طلائی اسلام پیشرفت می کند و کتاب هزار و یک شب تألیف میگردد .

روح دینی بودائی و مذهب بودا در آن تأثیر بسزائی داشت ، تمام آن از جهتی قدرت خیال است ، سزاوار نیست از جهتی در آن غرق شود چون شباهت

بزرگی که در بعضی از حکایت‌های « بانچانتترا » و هزار و یک شب موجود است ممکن نیست تفسیر نمود مگر بعضی از داستانهای کتاب اول که در زمان‌های تازه از راه دیگر رسیده است، بجز راه ابن مقفع راه دیگری نمیدانیم.

« بانچانتترا » و خرافات اسیوب - هنگامیکه درین بحث سرگرم بودم یکی از دوستان دانشمند پرسید آیا نمی بینید خرافات اسیوب را که تأثیری در بانچانتترا کرده باشد؟!

این پرسش تأثیر معکوس در من کرد؟! بدین جهت پرسیدم چه اندازه « بانچانتترا » در خرافات اسیوب نفوذ نمود؟! این مدرك‌ها که در دسترس ماست نشان نمیدهد که بعضی از داستان‌های بودائی در اسیوب نقل شده باشد، ظاهراً شباهتی با هم ندارند « گذشته از اینها اسیوب ما بین سالهای ششصد و پانصد و پنجاه پیش از میلاد ظهور نمود، او در نزد کرسیوس شهر یار لیدی که حاکم آسیای صغیر در حدود پانصد و چهل پیش از میلاد « مهمان بود، باید خرافات او از اینجا سرچشمه گرفته باشد، چه بسا داستانهای هندی از راه جنگ‌های فارسیان که تا سواحل ایونی دامنه داشت با آسیای صغیر سرایت کرد.

چون روشن است که اسکندر شهر یاریش کوتاه بود، لشکر کشی و فتوحات جنگی خود را خیلی تند انجام میداد.

هندوستان مدتها از تقسیم و جنگ ما بین فرماندهان ذوالقرنین دور بود، شهر یاران قوی در آنجا حکومت میکردند مانند «شندرا غبتا موریان» که با سلوکوس نیکاتور جانشین اسکندر در بابل دوستی سیاسی محکم و استوار ساخت ولی جز اثری از روابط فرهنگی آنان بما نرسید (۱).

پس از آن افسیوب از داستان‌های بودا که در لیدی در آن زمان منتشر شده بود استفاده کرد ، هر گاه یونان هم تأثیری در آن داشته باید پس از آن بحث نمود ، در غیر از فتوحات اسکندر جستجو نمائید !!

نمیشود انکار کرد که دیانت و فلسفه بزرگی بودا در حقیقت عنوان يك تمدن عمیق بود ، ثابت شد که ریشه الهام ادبیات هندوان می باشد که بدان افتخار می کنند .

پس « بانچاتنمرا » مانند سایر آثار ادبی زبان سانسکریت بود که قطعاً از بودا و نوشته‌های مقدس کمک گرفت .

هدف اساسی از این کار داشت که تعلیمات بودا و روح آن را منتشر سازد چنانکه « کتاب انجاتاکاس » یعنی تولد بودا (۱) مانند داستانهای « بانچاتنمرا » است . این داستانهای سهل و ممتنع که دارای اسلوب شیوا و خالی از حشو و زوائد میباشد دارای فکر بلندی است .

که شایسته اندیشه و تأمل است با آنکه آن حکایت‌ها را برای آموزش و اجتماعی بکار می‌بریم ، ولی در آنها هدف‌های بزرگ‌تری است که پرده‌ای بر آن پوشیده و آن فلسفه بزرگ و درخشان هندی است که در حقیقت فلسفه زندگانی میباشد از این جهت « بانچاتنمرا » سرلوحه مجموعه داستانهای جهان است .

۱ - بانجاتاکاسی داستانهایی است متعلق بتولدهای تائسات بودا ۵۵۰ این داستانها اکنون در هند منتشر شده در زیر پرده ادبیات مجلی اروپائی پوشیده شد نگاه کنید دائرة - المعارف ایفری ۱۹۵۱ .